

وانت ملاذ العبد يا غاية المنى * وياسيد اقل ساد من جاءه
 عبد * وانت ارادتي وانت وسيلتي * فيا حين انت الوسيلة
 والقصد * علما را در استجابات ثقل یم تحية المسجد بوزارت
 خلا فی است بعضی از ما لکيه ثقل یم زیارت را بر تحية المسجد
 نیز تجویز کرده اند و بعضی گفته اند که اگر مرور او در قبالة
 وجه شریف افتد ثقل یم زیارت مستحب بود و پیش اکثر علما
 ثقل یم تحية المسجد مطلقا مستحب است جا بر رضی الله عنه
 روایت میکنند که وقتی از سفری قادم آورده بودم در ملازمت
 آن حضرت رسیدم پرسید در مسجد در آید و نماز کند آرد
 گفتیم لا یا رسول الله فرمود برود در مسجد در آی و نماز کن بعد
 ازان بیا و بر من سلام کن و خلاف در غیر سلامی است که از
 ادب دخول مسجد است زیرا که آن مقدم است بر تحية
 المسجد بالا تفاق چنانکه گل شت و در حوا از سجده شکر پیش از
 رکعتین تحية المسجد یا بعد ازان نیز اختلاف است نزد شافعیه
 اگر نعمتی تازه غیر نعم متوالیه در ایامه متجدد گردد جایز است
 و از علمای حنفیه نیز روایات در حوا از آن هست و از فعل آن
 حضرت صلی الله علیه و آله وسلم نیز منقول شد است والله اعلم

*** فصل *** بعد از آنکه تحية المسجد بگذارد متوجه
 زیارت گردد و بقبر شریف روی آرد و از درگاه عزت جل جلاله
 استمداد و استعانت جوید در رعایت ادب در بنام مقام منیف
 و موقف شریف که بی اعانت و امداد الهی قیام درین مقام

عالی ممکن نیست * بیت * فلما اتينا قبره حصل لاح من * مناه
 ضياء واخجل الشمس واللبك را نیت و قمنما مقاما شهد ابه انه *
 ين کرنا من فرط هيبتة الحشر * و جینا له فی شاک من نفوسنا *
 فجبنا العسر و یسرنا اليسر * هو البیر لا کن سلسبیل وان
 ترد * ترد سلسبیل انه لم یزل برایت فیها یک فی سبیل العنایة
 واصلت الیه به حتی تری ذاتہ جہرا * هو الکنز کنوا لله بیت
 علومه * و من اودع الرحمن فی قلبه سرا * و از آنچه در وسع
 و امکان بود در ظاهر و باطن از خضوع و وقار و ذلت و انکسار
 ذره نامرعی نگذارد غیر آنکه از سجود و تمریح و جبه پشرب و
 استسلام و تقبیل شباک شریف و امثال آن آنکه در شرع رخصت
 نکرده اند و در نظر ظاهر بینان از قبیل ادب نماید اجتناب
 کند بلکه به یقین دانند که حقیقت ادب در و عایت اتباع و امتثال
 امر آن حضرت است و هر چه نه ازین باب است توهم باطل
 است و اگر از غلبه حال و وسیله شوق چیزی سو برزاند اگر
 نه در وقت حضور مردم باشد بهتر است و بعضی از علماء درین
 باب سخنی هست ولیکن مفتی علیه و مختار همانست که گفته
 شد و در وقت سلام آن حضرت و وقوف در آن جناب با عظمت
 دست راست را بردست چپ بنهد چنانچه در حالت نماز کنند
 کرمانی که از علمای حنفیه است تصریح باین معنی کرده
 است و مستل بر قبله در مواجبه مسما ر فضه که در دیوار حجره
 شریف مقابل وجه کریم نشاندند و تحت قنیل پیل با پستل و

موقوف سلفا پیش از در آوردن حجرات منیغه در مسجد داخل
 این موضع بود که الآن شباک نجاس بر آورد داند و آن از
 قبر شریف موآزیمی سه چهارگز خواهد بود و قوف درین حد
 منقول است از سلف و بالجمله و قوف از قبر شریف در حدی
 باید که در حالت حیات در حضور آن سرور و قوف بد آن لایق
 طریقه ادب باشد و الآن چون موقوف زوار بیرون شباک
 نجاس افتاده است اگر متصل شباک بایستد یار و رتران
 هردو جایز است و به بقین داند که آن حضرت صلی الله علیه
 و آله وسلم از حضوره و قیام او در زیارت حاضر آگاه است
 و بصوت معتدل نه در غایت بلند و نه در نهایت پستی
 بصفت حیار و قار سلام گوید $\text{سَلَامٌ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ الْكَرِيمُ}$
 و رحمة الله وبركاته $\text{سَلَامٌ عَلَيْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ}$
 $\text{السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا نَبِيَّ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا سَيِّدَ الْمُرْسَلِينَ السَّلَامُ}$
 $\text{عَلَيْكَ يَا خَاتَمَ النَّبِيِّينَ}$ تا آخر عبارتی که در سایل زیارت نوشته
 اند و معلمان زیارت تعلیم آن میکنند و اختیار بعضی سلف
 مثل ابن عمر و غیر او رضی الله عنهم اختصار است و اقتصار در
 مقدار السلام عليك یا رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم منقول
 است از ابن عمر رضی الله عنهما که چون بر زیارت آن حضرت
 صلی الله علیه و آله وسلم می آمد میگفت السلام عليك یا رسول الله
 السلام عليك یا ابا بکر السلام عليك یا ایتاه و از امام مالک
 منقول است که گوید السلام عليك ایها النبی و رحمة الله و

برکاته * و غالب آنست والله اعلم که اقتصار بر بن مقلد در
زیارت یومیه یا نزد ضرورت و خدیق وقت مثل اقامت نماز و
مانند آن باشد والا مشتاقی که بادل پر اشتیاق و سینه پر آرز
شکایت فراق عمرها قطع بیابان ها کرده در حضرت حبیب
رسین * باشد اقتصار او بر ینمقلد از کجا صورت بندد * بیت *
طی لسانی از خدای خواهم و روز مشربی * پیش تو تا بیان
کنم حال شب دراز را و اختیار اکثر علما تطویل و تکثیر
است زیرا که وقوف در حضرت نبی کریم و خطاب بآن جناب
عظیم از اعظم سعادات و الزم مستلزمات است کما قال الشاعر
* بیت * حماة جرعی حومة الجن لاسجعی * فانت برای
من سعادت و مسمع * و اگر بکسی از دوستان بتحیت و سلام بر
حضرت سبب انام علیه افضل الصلوات و اکمل السلام و صیت کرده
باشد بگوید السلام علیک یا رسول الله من فلان بن فلان یا
فلان بن فلان یسلم علیک یا رسول الله بعد از آن که از سلام
آن حضرت فارغ شود مقلد از یک ذراع بجانب یمن پستر
رود و گوید السلام علیک یا ابا بکر الصدیق یا صفی رسول الله
و ثانیه فی الغار جزاک الله عن امة محمد صلی الله علیه و آله و سلم
خیرا السلام علیک یا عمر الفاروق الذی اعز الله به الاسلام
جزاک الله عن امة محمد صلی الله علیه و آله و سلم خیرا السلام
علیکم من فلان بن فلان اگر کسی وصیت کرده باشد بآن بهمان
مکان اول که در پیش رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم در مقابل

مشهور آنست که ایستاد و بود بیاید و هم بر طریق اول سلام کند و در
 توسل و تشفع و استمداد و استعانت نهایت ذلت و انکسار و
 خضوع و خشوع بجا آورد و در آثار سلف آمده است که هر که
 نزد قبر شریف آن حضرت صلی الله علیه و آله و سلم این آیت
 بخواند ✽ ان الله وملائكته يصلون على النبي يا ايها الذين
 آمنوا صلوا عليه وسلموا تسليما ✽ بعد از آن هفتاد بار بگویند
 صلي الله وسلم عليك يا محمد فرشته از آسمان نازل کند صلی الله
 عليك یا فلان هیچ حاجتی نماند ترا که امروز بر آورده نشد
 و بعضی از علما بملاحظه نهی از ندای آن حضرت صلی الله علیه
 و آله و سلم باسم علم گفته اند که اگر صلی الله عليك یا رسول
 الله گویند احسن باشد گفتیم من اگر یا نبی الله گویند اوفق و
 انسب باشد بنظم قرآنی بعد از آن بالا تر آید و در میان قبر
 شریف و استوانه مستقبل قبله بوجهی که بجانب هر مبارک آن
 حضرت صلی الله علیه و آله و سلم پشت نهد بایستد و بتحمیل
 و تعجیل و دعا و ثنا و صلوة برسین انبیا صلی الله علیه و آله و سلم
 مشغول شود باز در روضه شریف بقصد تبرک بمنبر مبارک که
 در مکان منبر اصلی که مجلس شریف آن حضرت بود صلی الله
 علیه و آله و سلم بنا یافته است در آید و دست بد عابر آرد که
 دعادرین مکان مستجاب است ✽ فصل ✽ در ادب اقامت
 منینه منوره از آن جمله آنست که مدت اقامت این بلد و
 شریفه را غنیمت دانند و هر گاه همست و حرم بر ملازمت مسجد

شریف و اعتکاف و روی برگمارد و حضور روی با انواع خیرات
 و مبرات و صلوات و تعمیر اوقات بطاعات از صلوة و قیام و
 صیام و درود بر سید انام لازم پند آرد و تخصیص طاعت در آن
 مقلد از آن مسجد که در زمان نبوت بود شک نیست که افضل و
 اکمل خواهد بود و از آن جمله آنست که اگر در مسجد بود
 نظر از حجره شریفه بر نهد و اگر بیرون مسجد باشد بقبه
 شریف نظر آرد به نعت مهابت و تعظیم و خضوع و خشوع که
 حکم آن در استحباب حکم نظر کردن بجانب کعبه است و
 نورانی و ذوقی که از نظر کردن بجانب قبه از بیرون شهر
 مشتاقان و آلله و والیهان مشتاق می یابند ادراک آن موقوف
 همان حالت است بیان آن اکنون بشرح راست نیاید
 * مصرع * ذوق این می نشناسی بخدا تا نچشی * و از آن جمله
 آنست که تا بتواند اگر چه یکشب باشد احیای لیل در مسجد
 شریف از دست نهد که قل را این شب از شب قل کمتر نیست
 بلکه زیاده * مصرع * آن شب قدری که گویند اهل خلوت امشب
 است * شعر * وکل الیالی لیلۃ القدر ان دنت * کا کان یوم اللقا
 یوم جمعه * بیت * نحن فی حضرۃ الحبيب جلوس * یقظه هذه
 و الامنام * یا رسول الاله انی محب * فیک والله عاشق مستیام *
 یا رسول الاله انی نزل * و نزل الکرام لیس یصام *
 یا رسول الاله انت رجائی * و امامی نعم الراجا و الامام * و
 اگر در طریق تحصیل و تیسر آن توسطی بخدام و حکام باید نمود

و تنگ للی و تروید بی باید کرد انرا سعادت وقت و شرف روزگار خود
 دانند و طواشی و اغوات را با این نسبت که خدایم آن جناب
 عرش مآب اند شرفی با ذبح و عظمتی شامخ اعتقاد کند و این
 ادبی دیگر است از جمله ادب اقامت این بلكه عظیمه که در
 سکنه و اهالی آن از ادانی و عالی همیشه بنظر عظمت و عزت
 نگاه کند بر هر تقلیر و بهر حال نسبتی و اضافتی بآن جناب دارند
 * بیعت * کفی شرفانی مضاف الیکم * و انی بکم ادعی و ادعی و
 اعرف * و باید که جل اعمال بلکه کل اشغال تودران شب
 شریف که تمام عمر یک شب است اتحاف صلوة باشد برسید
 گاینات علیه افضل الصلوات و اکمل التسلیمات سنة اللهم صلی علی
 محمد و آله صلوة انت لها اهل وصل وسلم علیه صلوة هولها اهل
 صلوة ناشیة من عین السر الذی بینک و بینہ لا یعرف قدرها
 الا انت و الا هو صلوة هی معراج قد سه الیک و سمیة انسه
 لدیک * و اگر نوم و نعاس غلبه کند دفع آن بتواجده و مصاشات
 خیال آن جمال در آن حریم عزت و جلال لازم دانند و حاشا
 و کلا که خواب یا خیال کرد سرا بود و چشم و دل مشتاق آن
 جمال در آن حضرت با مهابت و اجلال را یا بیل * مصرع *
 قرار چیست صبوری کل ام و خواب کجا * شعر * گفتی ام در
 خواب رو تاینی اوراد و خیال * این سخن بیگانه را گواشنارا
 خواب نیست * التماس از صاحب دولت که انوار این تجلی
 بزم جلای حال او بتابد و سعادت و اقبال این شب وصال در

یابد آنکه غمزدکن دیا جیر فراق و مهجوران سرگشته هجر اشتیاق
 را فراموش نگذارد و اگر از خود خبری داشته باشد ازین دیوانه
 نیز یاد آرد * شعر * چو با حبیب نشینی و باد پیمائی * بیاد
 آر صحبان باد پیمارا که اگر بار کنی او ترا نیز در وقت خود
 یاد کرده است از حضرت او بهرس تا تصدیق من کنی سبحان الله
 کجا بودم و کجا افتادم * الحمد لله الذی احیانی بعد ما
 اماتنی و الیه التشرور لا اله الا الله محمد رسول الله و از جمله اداب
 حضور این بقعه شریفه آنست که قلب و لسان و جوارح از وقت
 در آمدن مسجد شریف تا هنگام بر آمدن از هر چه مکروه است
 و خلاف اولی و افضل است نگاه دارد و ایم تصور و ملاحظه
 آنکه در کدام حضرت حاضر است نصب العین ظاهر و باطن خود
 سازد و اگر یکی مزاحم حال او شود که مجالست و مکالمت او
 موجب فتور نسبت حضور افتد خود را بلطایف حیل از دست
 او برهانند و اکتفا بکلامی موجز که بر قدر ضرورت در حصول
 مقصود کفایت کند واجب دانند * اللهم اغفر لنا و تقبل منا ما
 عملنا بفضلک و کرمتک و اجبر ما فات عنا بعفوک و حلمک لا اله
 الا انت سبحانک انی کنت من الظالمین * و از آن جمله آنست
 که آنچه بعضی عوام الناس کنند که تمر صیحانی در مسجد
 شریف بخورند و خستهها را هم در مسجد شریف اندازند نکند
 زیرا که این فعل از رعایت تعظیم و نگاهداشت ادب مسجد
 دور است و بتحقیق وارد شده است که مسجد این امیکش باند ک

چیزی که در روی ائمه چنانکه چشم انسان بافتادن حس یا مانند آن متذکر گردد و ذکر این ادب در مصنفات آداب زیارت شاید که بهلا حضرتها را در خلق باشد که در زمان قدیم بود و الادرین زمان اثری از آن پیدانمست و مانا که ریختن تمرد در مسجد و خوردن اصحاب صفا که نقرای باب الله و مقیمان در گاه بودند چنانچه سبق ذکر ریافت مستند این فعل خیال کرده باشند و الله اعلم و از آن جمله آنست که از پیش در آمدن بمسجد شریف در مکانی مخصوص از روضه شریفه مبارکه گسترانید نگل آرد و جای بر مردم تنگ نکند بلکه اگر حرص بر احراز فضیلت مکان دارد پیشتر از همه بیاید و بنشیند و علما را در منع و کراهت این فعل سخن بسیار است و فتوی بر کراهت آن داده اند و در حکم آنست که چون در قبیل صبح باب مسجد شریف بر وجهی که معتاد خل امام است فتح نمایند جماعه از طالبان که پیش از وقت آمده منتظر فتح باب بودند و نشسته باشند بمحور در کشاده دادن میدوند و در صفا اول جا گرفته و سجاده انداخته متوجه زیارت میشوند و ادب سکینه و وقار که در آمدن مسجد خصوصاً در آن مسجد شریف از او کد مستحبات و اعظم آداب است از دست دهند بلکه بعضی ساده لوحان از جهت غایت حرص که در تعیین مکان و احراز این فضیلت دارند زیارت نیز مقیم نشوند و اگر شوند با متعجال هرچه نماز * شعر * حافظا علم و ادب و روز که در حضرت شاه

✽ هر که را نیت آداب لایق قربت نبود ✽ شعر ✽ ادبوا النفس
ایها الاصحاب ✽ طرق العشق کما آداب ✽ نعوذ بالله من
الهفوة والغفلة ربنا لا تجعلنا من الغافلین ✽ واز آن جمله
آنست که در مسجد بصاق نیفکند که فتویٰ بر حرمت آنست و
آنکه وارد شده است که در فن بصاق کفارت میشود مراندن آختن
او را سبکی که از اعظم علمای شافعیه است میگوید که مراد
آنست که در فن قاطع اثم و مانع استمرار اوست از ایندای این
وقت نه آنکه رافع اثم و ماحی این خطیئه است از اول و حکایتی
که در رساله قشریه از سلطان با یزید بسطامی قدس سره
آمده است که بزیاارت مردی رفته بود ناگاه آن مرد در مسجد
بزاق انداخت برگشت و زیارت او نکرد مشهور است این حکم
در جمیع مساجد است چه جای مسجد خاتم الانبیاء و اعظم
المساجد و ادب در انداختن بزاق در جمیع احوال است که
در جانب پای چپ اندازد و از استقبال قبله و جانب یمن
احتراز کند و از آن جمله آن است که در ختم قرآن مجید در بن
مسجد که محل تنزیل و مهبط جبرئیل است اگر چه خود یکبار
بود تقصیر نکند و اگر تواند قرأت و مطالعه کتابی که در شمایل
و فضایل حضرت سید کائنات بود علیه افضل الصلوات و اکمل
التسلیمات بآن ضم کند یا از کسی که میخواند استماع نماید تا
استحضار نعوت مصطفویه و تکرار فضایل نبویه با عثه شوق
لقای آن حضرت و داعیه صلوة و تعظیم آن جناب قویتر و تازه

گردد و از آن جمله آنست که در مدت اقامت آن بندگان مطیبه
 هر چه تواند از قیام بعبادت و صیام بجای آورد خصوصاً آنکه
 مدت اقامت کوتاه بود و هو اکرم باشد تا در آن ذوق نوعی
 از شدت و لاوایی مدینه کرده باشد و از آن جمله آنست که
 بعد از زیارت آن حضرت صلی الله علیه و آله و سلم بزیارت بقیع
 که مرقد آل و اصحاب کرام و امهات المومنین و اتباع و تبع
 اتباع و دیگر علما و صلحای امت است و زیارت سید الشهدا
 عم النبی حمزة بن عبد المطلب رضی الله عنهم اجمعین و
 زیارت مسجد قبا و دیگر مساجد و آبار و سایر اماکن و آثار
 سید الابرار صلی الله علیه و آله و سلم غنیمت شمارد و بیان این
 مواضع و احوال و اخبار آن در ما سبق مذکور شد لیکن کلام
 در آنست که بزیارت بقیع هر روز بعد از زیارت سرور کائنات
 علیه افضل الصلوات و النسلیمات متوجه شود بار و جمعه فقط
 چنانچه الآن شک است امام نووی و تابعان او بر آنند که هر
 روز کند و بعضی علماء درین سخن مناقشه کرده اند که این را
 دلیلی و مستندی نیست شیخ ابو الحسن بکری رحمه الله علیه
 گفته است که زیارت قبور سنت موکک است و این شامل است
 هر روز را غایتش آنکه روز جمعه او کند و افضل باشد و از آن جمله
 آنست که هر بار که موروز نزد قبر شریف واقع شود اگر چه از
 بیرون مسجد بود بایستد و سلام کند و صلوة فرستد اگر چه این
 مورد در یک روز مکرر واقع شود آورده اند که یکی از سلف بتوکل

این ادب از جناب رسالت مآب در منام معاتب شد؛ اما داخل مسجود باید که بهر بار که در آید سلام بر آن حضرت صلی الله علیه و آله وسلم بگوید بعد از آن بنشیند و اگر هوا جبهه شریفه مشرف گشته طریق زیارت بجای آورد افضل و اکمل باشد در جمیع مذاهب ثلثه الامم هب سالک که اکثر زیارت را مستحب نداند چنانچه در بالا اشارتی بدان واقع شد و حاصل و خلاصه جمیع آداب آنست که رعایت تعظیم و محاببت و استغراق و حضور و شوق و محبت و طاعت و عبادت و سایر خیرات و مبرات با حفظ قلب و جوارح در ظواهر و باطن و اغتنام مدت اقامت با اعتقاد آنکه خلاصه و زینت عمر همین زمان است بر وجه اتم و اکمل و اولی و افضل بجای آورد یکدم از نسبت توجه و حضور غافل نباشد و از تعطش طلب و تردد طریق ادب فارغ نه نشیند چنانچه گفته است * بیت *

ناد به رخت عمری سودای تو روز بدم * فارغ ز توگی باشم
 اکنون که تراد بدم * و اگر جاز به عنایت از آن جانب قوی
 است هرگز نشو اهد گل اشت که بجای غیر رود * بیت * با آنچه
 دلم قرار گیرد بی تو * آتش بن اندر زن و آنم بستان * و از
 جمله آداب مهمه که در مردم بسبب بعضی عوارض در رعایت
 آن تقصیری و تهاونی واقع میشود آنست که در محبت ساکنان
 منینه مطهره و رعایت تعظیم ایشان طی حسب مراتبهم تقصیر
 را بخود راه ندند تا حدی که زیاد به نسبت جوارح و جوری

مرتبتی و فضیلتی نداشته باشد بلکه هر چند که بفسق و بدعت
 و سایر اقسام معصیت منسوب و مطعون باشند زیرا که شرف
 جوار حضرت سید مختار صلی الله علیه و آله و سلم کافی است و
 این شرف بهیچ معصیتی و بدعتی نرود و از حسن خاتمت و عفو
 و مغفرت محروم نسازد * شعر * فیما کنی اکناف طیبة کلکم *
 الی القلب من اجل العیب حبیب * شعر * رای المجنون فی
 البیداء کلبا * فمد له من الاحسان ذیلا * فلاموه علی ما کان
 منه * و قالوا لم مسحت الکلب نبلا * فقال دعوا الملامه ان
 عینی * راته مره فی حی لیل * * مثنوی *
 بوالفضولی گفت ای مجنون خام * این چه شید است اینک که
 می آری ملام * پورنگد ایم پلیدی میخورد * مقل خود
 را بلب می استرد * عیبهای سگ بسی او بر شمرد * عیب در آن
 از عیب او بوی نبرد * گفت مجنون تو همه نقشی و تن *
 اندر آبنگر شبی از چشم من * کین طلسم بسته مولا ست این *
 پاسبان کوچه لیلی است این * و آنچه منزلت اقل ام در رعایت
 این ادب واجب الاهتمام است حال بعضی اشراف و خدام
 است به بعضی بدعتها و تقصیرها منسوب اند در ایشان نیز
 ملاحظه نسبت قرابت و جوار شریف نظر بعین حقارت نکند
 و جز بعین تعظیم و اجلال نه نکورد و اعتقاد کند که بد آن در ضمن
 نیکن مغمور و مستور اند و از ملاحظه سرمنشای قول حضرت
 رسالت علیه افضل الصلوة و التحیه در شان اهل بد و با وجود

ج
 فلا موه

ج
 منزلت

صد و بعضی تقصیرات از بعضی ایشان غافل نباشد و در مقام
خطاب طریقه بشاشت و حسن تحیت و لیس کلام از دست ندهد
و سرشته استحضار نسبت قرابت و شرف جوار فر و نگذارد و از
سب و شتم و غلظت خود را بازدارد زیرا که ولد عاقی از بعضی
احکام مثل استحقاق ارث و صحت نسب بیرون نرود و ظن
جمیل در صدیق و فاروق و غیر ایشان از صحابه رضی الله عنهم
آنست که در آنچه متعلق بحق ایشان است جز عفو و صغح از
اولاد پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم جایزند آرند تو گمان نیک
دار و حق را باهل آن گذار و شفاعت محمد به اگر در اهل جنایت
از اهل بیت نبوت که ارادت حضرت صمدیت بتطهیر ایشان
از رجس رفته است در کار نشود بهتر ازین کدام محل خواهد
یافت و بعضی از مشایخ ازین ایت چنان فهم کرده اند که هیچ
یکی از ایشان از اولاد نیابرون نیاید تا اول از تس و رجس
معنوی بپوز و مانند آن مطهر نگردد اینست ترجمه کلام بعضی
از علمای مکه معظمه در کتابی که در آداب زیارت تصنیف کرده
است بعبارتی و کلام سید سهمودی و غیر او در محل رعایت
این آداب بدان موافق است و الله اعلم * فصل * بعد
از آنکه از زیارت سید الانام علیه افضل الصلوة والسلام و از زیارت
مساجد و مشاهد عظام فارغ شد و عزیمت رجوع باوطان
و اولی الارحام مصمم شد باید که بوداع مسجد شریف نبوی
صلی الله علیه و آله و سلم بنماز و عبادت مصلاهی آن حضرت جملی

الله عليه وآله وسلم و یاد روضعی که قریب آنست بپورد از د بعد
 از آن بزیارت قبر مقدس بروجهی که اداب زیارت است روی
 آرد و از برای حصول سعادت کونین برای خود و برای هر که
 درست دارد دعا کند و از حضرت عزت جل جلاله قبول و
 وصول باهل و عیال بروجه سلامت ازافات و احوال طلب
 دارد و این دعا بخواند ✽ اللهم اننا نسالك في سفرنا هذا البر و
 التقوى ومن العمل ما تحب وترضى اللهم لا تعجل هذا الخ
 العهد بتبیک و مسجد و حرمة و یسری العود الیه و العکوف
 لده و ارزقنی العفو و العافیة فی الدنیا و الآخرة و ردنا الی
 اهلنا سالمین غانمین امین ✽ و از آثار قبول و علامات حصول
 مامول غلبه کویه و انزعاج است درین وقت بلکه گریه و زاری
 در جمیع اوقات باعث ذوق و نشان امید واری است ✽ مشنوی ✽
 این دلم باغ است و چشمم ابروش ✽ ابرگرید باغ خند و شاد و
 خوش ✽ ذوق خند و دیدن ای خیره خند ✽ ذوق گریه بین که
 هست آن کان قند ✽ روشنی خانه باشی همچو شمع ✽ گرفتار
 باری تو همچو شمع دمع ✽ تا نگردد ابر کی خند و چمن ✽ تا
 نگردد طفل کی یابد لب ✽ و اگر بکا غلبه نکند سعی در تباکی
 کند و معانی که ذوق و رقت آرد استحضار نماید که بکادرین مقام
 بهر وجه علامت قبول است و اگر اندکی سر رشته محبت و علاقه
 درستی بجای پیونده است احتیاج به تباکی نیست سبحان
 الله ✽ بیت ✽ دل از سنگ باید بسوزد و دای ✽ که تحمل

کنند آن لحظه که محمول برود * شعر * احسن الی زیارتی
 لیلی * وعهدی من زیارتها قریب * و گنت اظن قرب الدار
 یطفی * لهیب الشوق فزاد اللهب * بعد از آن هم بر حال
 تباکی و تحسر و تحزون بر مفا رقت ابن حضرت شریفه و وداع مقامات
 منیفه بی آنکه پهای پس رود بلکه بطریق که معتاد مشی است
 برود که در زیارت آن حضرت پهای پس رفتن را در وقت وداع
 در ادب نشمرده اند بخلاف وداع بیت الله که سنت در آنجا
 در وقت وداع پهای پس رفتن است تا بیرون مسجد زیرا که
 ماثور در وداع آن حضرت بیت الله را زاده الله تعظیما و تشریفا
 همچنین است و هیچ جا نفل نکرده اند که در حضور آن حضرت
 اصحاب وقت وداع این چنین میگردند و الله اعلم و باید که در
 وقت وداع بهر وجه تواند در تصدق تقصیر نکند و اکثر علما
 بر آنند که از خاک مد بنه و مکه و خشت و سفال و احجار برونند
 و علمای حنفیه و بعضی شافعیه تجویز آن کرده اند و بر هر تقدیر
 اگر هدایا مثل ثمار و میاه که موجب سرور اهل و اخوان گردد
 بود بهتر باشد بی آنکه بر او تکلف رود و راست صحاب قادم
 هدیه را برای اهل و اولاد آثار مومنان و اخبار صحیحه و رود
 یافته است و در وقت رجوع آدابیکه در باب رجوع از سفر
 آمده است رعایت کند و چون بر بلد خود مشرف شود این
 دعا بخواند * اللهم انی اسألك خیرها و خیر اهلها و خیر ما فیها
 و اعوذ بک من شرها و شر اهلها و شر ما فیها اللهم اجعل لنا قیارا

و رزقنا حسنا ✽ و چون در شهر در آید بخواند ✽ لا اله الا الله
 وحده لا شریک له له الملك وله الحمد وهو على كل شیء قدير آیون
 تا بیرون عابدون ساجدون لربنا حامدون لا اله الا الله وحده
 صدق وعده و نصر عبده و هزم الاحزاب وحده و اعز جنك فلا
 شیء بعدك ✽ و باید که پیش از در آمدن خبر سلامت و وصول باهل
 خود پرسانند و بکایک نه در آید و بشب نه در آید و بهترین اوقات
 وقت چاشت است تا اخر روز بیشتر از شب و پیش از آنکه بخانه
 در آید قصد مسجد کند و دو رکعت نماز بگردد اگر وقت مکروه
 نباشد و دعا کند و شکر نعمت سلامت و وصول بجا آورد و بگوید ✽
 الحمد لله الذي بنعمته وجلاله تتم الصالحات ✽ و بهر که پیش
 آید مصافحه کند و اگر معانقه کنند نیز جایز است مادام که
 ملاقی امرد نباشد نقل است که سفیان بن عیینه که شیخ
 امام شافعی است بر مالک در آمد رحمة الله عليهم مالک مصافحه
 او کرد و گفت معانقه نیز میگردم اگر بدعت نبود سفیان گفت
 معانقه کرده است آنکه او بهتر است از من و تو معانقه کرده
 است پیغمبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم جعفر را رضی الله عنه
 و تقبیل کرده او را در وقت قدوم از حبشه مالک گفت آن
 مخصوص بجعفر است سفیان گفت لا بلکه عام است حکم ما و
 جعفر واحد است اگر از صالحان باشیم اذن میدهی که در
 مجلس تو تحول یتکنم مالک گفت نعم اذن دادم پس سفیان
 صبرق حل یتکنم کرد بسند ی که داشت و مالک سکوت کرد اینجا

قاضي عياض مالکي رحمه الله عليه مي فرمايد که سکوت مالک دليل
است بر ظهور تصويب قول سفیان تا دليل قايم نشود بر تخصیص
جعفر انتهي کلام القاضي و آنچه دلالت دارد بر علم خصوصیت بجعفر
حدیث ترمذی است که روایت کرده است که زید بن حارثه از سفر
قدوم آورده بود آن حضرت صلی الله علیه و آله وسلم برخاست
و روی شریف کشید و میرفت تا او را دریافت و اعتناق کرد و
در میان دو چشم او بوسه داد کذا قال بعض المالکيه و اگر مردی
عالم یا صالح یا شریف پیش آید تقبیل ید نیز درست است و تقبیل
دهان ولد صغیر و ختر باشد یا پسر و سایر اعضا اطراف وی
اگر چه فرزند دیگری باشد سنت است و چون بخانه در آید
دو رکعت نماز کند و وظیفه شکر و دعا و حمد و ثنای مولی بجای
آرد و بعد از فراغ از دریافت اهل و اولاد بیرون آید و در محلی
قریب خانه مسجد یا غیر آن بنشیند تا مردم بسلام قدوم
بدین او بیایند و بصر که پیش آید بوجه بشاشت و اکرام و
لطف و شفقت و تواضع پیش آید و دعا کند خصوصاً پیش از آنکه
بشهر در آید و مقیم شد و باشد که دعای مسافر خصوصاً حاج
پیش از وصول بلد مستجاب است و اگر منگری بیند مثل ضرب
د فوف و مزامیر چنانچه متعارف اهل زمان است در وقت
قدوم مسافر منع کند و خلاصه جمیع اداب و روح جمیع
مناسک و عمال و افعال و افضل اوضاع آنست که بعد از رجوع
این سفر مبارک عزم بر توبه ید و ملازمت تقوی کنند

واجتهاد در تحصیل محاسن ظاهر و باطن نماید زیرا که گفته
 اند که علامت حج مبرور آنست که بهتر از آنکه رفته بود باز گردد
 دلیل بر آن و علامت آن حرص بر اتباع هین انبیا صلی الله علیه
 و آله و سلم است و سردی دل از محبت دنیا و اهل آن و سرگرمی
 محبت اخرت و ارباب آن و الحذر و الحذر از آنکه باز کرد گناهان
 بگردد و بیقین می کند ✽ فان النکسة اشد من المرض و نعوذ بالله
 من الحور بعد الگور ✽ و اگر در بعضی ابواب خیر با پروردگار
 خود عهدی کرده باشی محافظت بروی آن لازم داند که
 بنقض عهد کار از پیش نبرد ✽ فمن نکث فانما ینکث علی نفسه
 و من اوفی بها عاهد علیه الله فسیوتیه اجرا عظیما و من الله
 التوفیق ✽

✽ باب عقل هم ✽

✽ در ذکر فضایل و ادوات صلوة برسید کاینات علیه ✽
 ✽ افضل الصلوة و اکمل التحیات که افضل صلوات ✽
 ✽ و اعظم و سایل است از برای نیل برکات و رفع درجات ✽
 چون اعظم ادب و از کار سالکان طریق زیارت حضرت سید
 ابرار و رسول مختار علیه افضل الصلوة و اکمل النسلیمات فی
 اناء لیل و اطراف انهار و تحاف صلوات و اهدای هدایای
 تسلیمات بود لا جرم بیان فضایل و ثمرات و احکام و اوقات
 آن از ضروریات مقام باشد و بیان و تفصیل آن در چند فصل
 اتفاق افتاد و بالله التوفیق ✽ فصل ✽ بد آنکه فواید و

نتایج صلوة نبویه علیه اکمل الصلوة و التعمیه از حد حصر و احصا
 متجاوز است و ضبط آن بزبان قلم و بیان متعسر و لمکن بعضی
 از علما و حفاظ حدیث جمله انها را از آنچه با احادیث صحیحیه
 و روایات حسنه ثبوت یافته و بدیشان رسید ضبط کرده و در
 ضمن بیان آورده اند بعضی ازان نتیجه اصل صلوة استعار
 بعضی مترتب بر عددی مخصوص و بعضی اثر کیفی خاص و
 بعضی مخصوص و قنی معین و بعضی لازم حالتی مخصوص و
 چیزی از انها درین سطور مذکور میگردد و الله الموفق از فواید
 صلوة برسید کاینات علیه افضل الصلوة امثال امر الهی است
 عزاسمه و موافقت او سبحانه و موافقت ملائکه او در فرستادن
 صلوة و سلام بر خیر انام بنطوق آیه کریمه ✽ ان الله و ملائکته
 یصلون علی النبی یا ایها الذین امنوا صلوا علیه و سلموا
 تسلیما ✽ و حصول عشر صلوات از حضرت و اهدب العطیات جل
 و علا و رفع عشر درجات و ثبت عشر حسنات و محو عشر سیئات
 و در بعضی احادیث معادلۀ عشر رقاب و عشرین غزوات واقع
 شد و استجابت دعا و وجوب شفاعت سید انبیا و شهادت آن
 حضرت صلی الله علیه و آله و سلم و حصول قرب نبوی و مزاحمت
 کتف شریف و بر باب جنت و لحوق و اتصال بآن حضرت
 پیشتر از دیگران روز قیامت و کشتن آن حضرت متولی جمیع
 امور در آن روز پر شدت صلی الله علیه و آله و سلم و کفایت
 جمیع مهمات و قضای جمیع حوائج و مغفرت جمیع ذنوب و

کفارت جمیع سیئات و بقولی از فوایدت فرایض نیز و قیام او
 مقام صدقه بلکه بقولی افضل از آن صلی الله علیه و آله و سلم و
 تفریح کرب و شفای سقم و زهاب خوف و جزع و اظهار بر اعدا
 متهم و نصرت بر اعدا و حصول رضای الهی و محبت وی و صلوة
 ملائکه او عز و علا و زکات و تنمیه عمل و مال و طهارت ذات و
 صفای قلب و فراغ بال و حصول برکت در جمیع امور حتی
 در اسباب و اولاد و اولاد الارلاد تا طبقه رابعه صلی الله علیه
 و آله و سلم و نجات از احوال قیامت و آسانی سکرات موت
 و خلاص از مهالک دنیا و مضایق روزگار و تنگی مناسبات و نفی
 فقر و اعدا حاجت و سلامت از اقسام بخل و جفا و از دعا بر غم
 انف زیرا که در حدیث آمده است که هر که نزد ذکر آن سرور
 صلی الله علیه و آله و سلم صلوة نفرستد بخیل است و گویا جفا
 کرده بر آن حضرت و دعا کرده میشود بر وی بر غم انف صلی
 الله علیه و آله و سلم و تطیب مجلس و غشیان رحمت مر جلسارا
 و توفیر نور نزد مرور بر صراط و تشبیهت قدم در آن حال پر افات
 و نجات از آن در طرفة العین بر خلاف حال تارک صلوة صلی
 الله علیه و آله و سلم و از اتم فواید و اعظم رغایب عرض اسم صلی
 در حضور فایز النور سرور انبیا صلی الله علیه و آله و سلم * شعر *
 لك البشارة فا خلع ما عليك لقد * ذكرت ثم هلې ما فيك من
 عوج * بيت * جان میل هم در آرزو ای قاصد آخر باز گو *
 در مجلس آن نازنین حرفی که از ماه می رود * و از یاد محبت

که مستلزم انبعاث شوق و غرام بحضرت سید انام علیه الصلوة
 والسلام است و استحضار محاسن نبویه در قلب و تحشل خیال
 و یاد رعین که لازم کثرت صلوة است بانعت حضور و توجه
 اللهم صل وسلم علیه ✽ شعر ✽ لوشق عن قلبی تری فی وسعته ✽
 ذکرک فی سطر و التوحید فی سطر ✽ و محبت مسلمانان و
 محبت آن حضرت مرصلی را و صافحه او مر او را در روز
 قیامت و رویت جمال آن حضرت صلی الله علیه و آله و سلم در
 منام و محبت ملائکه و ترحیب ایشان و کنابت صلوة او
 با قلام ذهب بر قرطیس فضه و دعای ایشان در او را بزیادت
 خیر و استغفار و تبلیغ ملائکه سیاحین صلوة او بحضرت رسالت
 باین عنوان فلان بن فلان مثل کمترین بندگان عبد الحق بن
 سیف الدین بسلم علیک یا رسول الله و از اعظم نوابد و اتم
 رغایب حصول شرف در سلام است که سنت مستوره آنحضرت
 صلی الله علیه و آله و سلم است و کلام سعادت بالا قرآزین که
 دعای خیر و سلامت آن حضرت شامل حال ابن کس باشد
 اگر در تمام عمر یکبار در ست در هد موجت صد هزار کرامت و
 مشور خیر و سلامت باشد ✽ بیت ✽ بهر سلام ممکن رنج در
 جواب آن لب ✽ که صد سلام مر ا بس یکی جواب از تو ✽
 و حصول این سعادت از یقینیات است که شبهه را بنان راه
 نیست زیرا که بعد ثبوت حقیقت حیات آن حضرت صلی الله
 علیه و آله و سلم و ثبوت معنیت بلکه فرضیت در سلام با کمال تاکید

آن حضرت بر ادای این سنت سنیه چنانچه از شما یل گرفته
وی صلی الله علیه و آله وسلم مرویست که **کان بیاد و بالسلام** **﴿﴾**
پس در رد سلام مبارک تو و مبالغه تر باشد و ازین سخن نکته و
در قیقه دیگر معلوم شد که زاید در وقت زیارت آن سر و وصلی الله
علیه و آله وسلم پیش از عرض سلام بر آن حضرت بسلام از جانب
وی صلی الله علیه و آله وسلم مشرف شدن است و بعد از سلام
که بر حضرت او میکند بزیادت سعادت در سلام نیز مشرف
میگردد و از فواید صلوة بر رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم
بازداشتن ملکین است از نوشتن گناهان وی تا سه روز و منع
اغتیاب مردم مرصلی را و در آمدن او روز قیامت زیر سایه
عرش و گرانگی ترازی اعمال او را من از عطش و تشنگی از راج
در جنت و حصول رشد و هدایت در مصالح دنیا و آخرت و
اشتمال صلوة بر آن حضرت صلی الله علیه و آله وسلم بر ذکر
الهی عز اسمه و نضمین شکر وی جل و علا و معرفت حق نعمت وی
و اقرار باین و اظہار عجز از ادای حق و ساطت بر مالت بطالب
و سوال تولی حق سبحانه و تعالی بشنای حبیب خود و زیادت
تشریف و رفعت شان او صلی الله علیه و آله وسلم و شک نیست
که حق جل و علا و رسول او صلی الله علیه و آله وسلم این سوال
و طلب را از بند و دوست میل آورد و چون بند صرف سوال
طلب و رغبت بخورد و محاب خدا و رسول خدا کرد و آنرا بر
محاب نفس خود ایثار نمود و لا جرم مستحق جزای کامل و قابل

✽ فن کر الحبيب للمريض طيب ✽ و عجب است از مؤمن هک
 یک ساعت از روز و شب خود صرف این عبارات که منبع انوار
 و برکات و مفتاح ابواب جمیع خیر و سعادات است نکنند و قول
 آن حضرت صلی الله علیه و آله و سلم مر شخصی را که گفت ✽
 اجعل لک صلواتی کلها اذن یکفی همک ✽ و قول علی مرتضی
 رضی الله عنه که فرموده است ✽ لولا اجل مافی ذکر الله لجعلت
 الصلوة النبویة عبادتی کلها ✽ درین باب کفایت است و اهل
 سلوک را در آمدن ازین باب موجب قنوح عظیمه و مواهب
 شریفه است و بعضی مشایخ فرموده اند که در وقت فتن آن شیخ
 کامل مکمل که تربیت کند التزام صلوة بر رسول الله صلی الله علیه
 و آله و سلم طریقی موصل است مر طالب را و همین صلوة و توجه
 او بد آن حضرت تربیت او با حسن اداب نبویه و تهذیب او
 با شرف اخلاق محمد به خواهد کرد و ترقیت او با طی ذروره کمال
 و ایصال او بمحل اسنی از حضرت کبیر متعال خواهد نمود و
 بوصول بد رگه الهی و قرب حضرت رسالت پناهی مشرف
 خواهد ساخت و وصیت میگردند بعضی مشایخ بقرات قل
 هو الله احد و بکثرت صلوة بر رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم و
 میفرمودند که بقرات قل هو الله احد شناختیم خدا ی واحد
 احد را و بکثرت صلوة صحبت داشتیم به پیغمبر خدا صلی الله
 علیه و آله و سلم و میفرمودند کسی که صلوة بر رسول صلی الله
 علیه و آله و سلم بسیار فرستد به بیند او را در خواب و بیند اری